

ذکر شیراز، سعدی و حافظ شیرازی از نگاه شاعران اردو زبان

دکتر محمد نذیر^۱

Mention of Shiraz and Sa'di and Hafiz Shirazi From the Viewpoint of Urdu Poets

Dr. Muhammad Nazeer

Persian language existed in the subcontinent for around eight centuries. It has immensely influenced many regional languages and dialects. Urdu language was one of the direct recipients whose poets were greatly influenced by the themes and genres of Persian poetry. Many classical Urdu poets admired Persian poets such as Sa'di, Hāfiz, Rūmī and Khayyām and proudly followed their style to introduce their themes and forms in their creative genres.

This article aims to highlight and analyze Urdu poetry which has been composed after being inspired by Iranian cities widely known for their scholarly contributions. Leading Urdu poets have expressed their affection for Iranian cities in their poetical works. Vast topic in mind, this article focuses only on those particular Urdu verses inspired by the city of Shīrāz, Sa'di and Hāfiz. The selected verses have been divided into three sections and translated to analyzed and highlight the significance of the famous city of Shīrāz and its great poets.

Keywords: Urdu poetry, influence of Persian, Shīrāz, Sa'di, Hāfiz.

چکیده

زبان فارسی کم و بیش ۸۰۰ سال در شبه قاره رائج بود. طی این قرن‌ها زبان‌های محلی به ویژه زبان اردو به شدت تحت تاثیر زبان و ادبیات فارسی قرار گرفت. تحقیقات نشان می‌دهد که شاعران اردو زبان شهرهای ایران مانند شیراز و اصفهان و سمرقند و بخار را آرمان شهر خود و شاعران آن مانند سعدی و حافظ و خیام و مولانا را الگوی شعر و سخن می‌دانستند. آنها علاوه بر سرودن شعر فارسی در هیئت، قالب و سبک شعر اردو نیز از شاعران فارسی پیروی کرده اند. شاعران اردو زبان

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کراچی

برای شهرهای ایران و شاعران آن اهمیت و احترام زیادی قائل بودند؛ چنانکه جا به جا در اشعار آنها نام شهرها و شاعران فارسی رقم خورده است

این مقاله با هدف شناخت این گونه اشعار و بررسی تاثیر گذاری شعر ادب فارسی بر زبان و ادب اردو نگارش شده است. چون تعداد این گونه شعرها که در آن نام شهرها یا شاعران فارسی به کار رفته، خیلی زیاد است و گنجاندن آن در یک مقاله کوتاه کاری دشواری خواهد بود لذا نگارنده، این گفتار را فقط برای بررسی آن اشعار تخصیص داده است که در آن نام شهر شیراز و سعدی و حافظ شیراز آن ذکر شده است.

واژگان کلیدی: شیراز، حافظ، سعدی، تاثیر فارسی، شعر اردو

پیش گفتار

درمیان کشورهای جهان شاید کمتر سرزمینی چون شبه قاره وجود داشته باشد که روابط دیرین و محکمی با ایران دارد. از زمان های قدیم تا کنون روابط محکمی از لحاظ فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و تجاری بین این سرزمین ها وجود داشته است و الان هم همچنان ادامه دارد. زبان فارسی پس از روی کار آمدن غزنویان در هند روابط ادبی و فرهنگی این دو منطقه مشهودتر شد و در زمان مغولان هند این روابط فرهنگی و ادبی به اوج خود رسید. زبان فارسی زبان رسمی پادشاهان قرار گرفت و مردم هم از این زبان با دل و جان استقبال کردند و چون فراگیری آن نسبتاً آسان بود، در بین ساکنان این منطقه محبوبیت یافت و مردم با علاقه زیاد آن را یاد گرفتند. در این نتیجه فارسی به تدریج در مکتب خانه ها و مساجد جای زبان عربی را گرفت. در این زمینه شعرای متصوف نیز سهم عمده ای داشته اند. آنان از زبان فارسی برای تبلیغ افکار و عقاید خود بهره می جستند و با اشعار ادیبانه و رفتار عارفانه خود خدمات مهمی را در ترویج زبان، ادب و فرهنگ فارسی در این خطه ایفا نمودند. از آغاز و اوج گیری زبان فارسی در شبه قاره تا زوال و انحطاط آن آثار و تالیفات گرانقدری در زمینه های مختلف نظیر تاریخ، تصوف، ملفوظات، تذکره مشایخ، تذکره شعراء و ادباء، منتخبات شعری، دواوین، مثنوی، فرهنگ نویسی، شرح فارسی بر کتابهای عربی، طب، فنون و هیئت نگاشته شدند که معرفی و ذکر مفصل آن احتیاج به چندین کتاب دارد.



اگرچه زبان ها و گویش های مختلف شبه قاره تحت تاثیر زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته و مشترکات زیادی بین آن زبان ها به وجود آمده بود ولی زبان اردو به شدت تحت تاثیر زبان فارسی قرار گرفته و حتی فارسی در تشکیل این زبان نقش مهمی ایفا کرده است. حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد کلمات اردو از فارسی گرفته شده است. فارسی نه فقط در تشکیل زبان اردو نقش بسزایی به عهده داشته بلکه ادبیات این زبان هم در آغوش زبان فارسی پرورش یافته است.

شاعران اردو زبان در تمام انواع و قالب های شعری از شعرای ایرانی پیروی می کردند و بکار گیری قالب های متداول فارسی و استعاره، کنایه، تشبیهات و تلمیحات فارسی در شعر آنان معمول بود. این شاعران و نویسندگان علاوه بر خلق آثار ادبی و علمی به زبان فارسی در آثار ادبی و اشعار اردوی خود نیز از شاعران فارسی پیروی می کردند و سبک ادبی و فکری آنها را برای خود الگو قرار می دادند. سرایندگان این زبان، شاعران معروف فارسی مانند حافظ، سعدی، مولوی، خیام، فردوسی، خاقانی، عطار، جامی و... را با احترام زیادی در اشعار خود نام می بردند و پیروی از این شاعران برای خود باعث افتخار می دانستند. اگرچه در بین شاعران معاصر زبان اردو این محبوبیت کم رنگ تر شده ولی گاه گاهی صدای بلبل شیراز و نغمه خیام و عاشقانه های مولوی در شعر شاعران سنت گرا می پیچد. همچنین شهرهای ایران مانند شیراز و اصفهان و طوس و خراسان و سمرقند و بخارا و... نیز مورد توجه و احترام ویژه شاعران این دیار بوده و جا به جا نام این شهرها هم در شعر شاعران اردو زبان منعکس شده است.

شناخت و بررسی این نوع تاثیر پذیری شاعران اردو زبان از زبان و ادبیات فارسی نیاز به تحقیق مستقل و تصنیف جداگانه ای دارد ولی تا کنون هیچ تحقیقی در زمینه انجام نشده است. لذا نگارنده این مقاله را به همین موضوع اختصاص داده ام. بنا بر اینکه چون موضوع خیلی گسترده است و این مقال کوتاه مجال آن را ندارد که آن را به طور کامل ارایه بدهد؛ چنانکه این مقاله را فقط به چگونگی کاربرد شهر شیراز و دو شاعر معروف آن دیار یعنی سعدی و حافظ اختصاص داده ام و سعی کرده ام که



شاعران اردو زبان چطور و چگونه از شهر شیراز و شاعران آن نام برده اند و چه ویژگی هایی را در اشعار خود منعکس کرده اند.

ادبیات پژوهش

در مورد روابط و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، ادبی، زبانی، سیاسی و مذهبی بین ایران و شبه قاره کتاب های قابل توجهی در هند و پاکستان تصنیف و تالیف شده و ده ها مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است. علاوه بر آن کنفرانس ها و سمینارهای ملی و بین المللی نیز برگزار شده است. اگر از مقالات منتشر شده در خصوص روابط ایران و شبه قاره صرف نظر کنیم باز هم آثار مستقل متعدد در این زمینه وجود دارد که روابط ایران و شبه قاره را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می دهد. بعضی از آثار مهم که در این زمینه به وجود آمده، به قرار زیر است:

۱. پیوندهای فرهنگی ایران و پاکستان، مجموعه ۲۶ مقاله از دانشمندان

پاکستانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۴م، اسلام آباد

۲. تاثیر معنوی ایران در پاکستان، جعفر قاسمی، اداره اوقاف پنجاب، لاهور، ۱۳۵۰ش

۳. بیست و پنج قرن روابط فرهنگی پاکستان، سلطان الطاف علی، کویت، ۱۹۷۱م

۴. تاریخ روابط ایران و هند (در دوره صفویه و افشاریه)، دکتر ریاض الاسلام، ترجمه محمد باقر آرام، عباسقلی غفاری فرد، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۹۷۳م

۵. تاثیر زبان فارسی بر زبان اردو، دکتر محمد صدیق خان شبلی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۰ش

۶. کتاب آسیا ۸ (ویژه روابط ایران و هند)، حسین عسگریان، موسسه ابرار معاصر، تهران، ۱۳۹۲ش

۷. روابط ایران و هند: چشم انداز ها و چالش ها، دکتر حشمت السادات معینی فرو دکترو صدر الدین موسوی جشنی، انجمن ایرانی مطالعات جهان، ۱۳۹۴ش



۸. اردو اور فارسی کے روابط، دکتر محمد عطاء اللہ خان، انجمن ترقی اردو، کراچی، ۲۰۰۹م

پژوهش های زیادی برای شناخت جنبه های مختلف پیوندهای ایران و شبه قاره انجام شده است. این تحقیقات بیشتر موضوعاتی مانند روابط تاریخی، فرهنگی، زبانی و فرهنگی را در بر گرفته است ولی لازم به ذکر است که در مورد ادبیات تطبیقی زبان فارسی و اردو و شناخت تاثیر گذاری و تاثیر پذیری این دو زبان از لحاظ ادبی تحقیقات کمتری انجام شده است. در این زمینه می توان از کتاب ادبیات تطبیقی ایران و هند اثر محمد قاسم احمد نام برد که در آن داستان های صادق چوبک، جلال آل احمد، سیمین دانشور را با داستان نویس برجسته هند پریم چند مقایسه کرده است. با وجود مشترکات ادبی فروان بین این دو زبان، در زمینه تطبیق و مقایسه ادبیات اردو و فارسی و تاثیر شاعران و فرهنگ ایرانی بر ادبیات اردو و انعکاس افکار و اندیشه های شاعران فارسی در شعر اردو علاوه بر چند مقاله کتاب یا اثر دیگری به وجود نیامده است. راجع به موضوع مورد نظر تا کنون هیچ کتاب یا مقاله ای به چاپ نرسیده است لذا این تحقیق بدون شک و تردید کاری مبتکرانه و برای پژوهشگران ادب راه گشا خواهد بود.

روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای از دواوین و مجموعه های شعری شاعران قدیم و جدید زبان اردو، شعرهایی را جمع آوری و بررسی کرده ام که در آن به نحوی از ایران به ویژه شهر شیراز و شاعران معروف آن نام برده شده است. برای جستن اشعار مورد نظر علاوه بر کتاب ها از وبگاه هوشمند ریخته نیز استفاده کرده ام. همچنین برای تفهیم شعر های اردو آن ها را به فارسی نیز برگردانده شده است.

بحث اصلی

زبان اردو و فارسی هر دو از لحاظ تبارشناسی از خانواده هند و آریایی و از شاخه هند و ایرانی هستند. اردو با خط فارسی-عربی نوشته می شود و مملو از واژگان ادبی و مذهبی عربی و فارسی است. پیوندهای اردو و فارسی آن قدر آشکار و زیاد است که برخی از محققین اردو را دختر یا خواهر زبان فارسی می دانند. شعر اردو نیز



گام های ابتدایی خود را در پیروی و تتبع شعر فارسی برداشت و در مسیر پیشرفت خود از افکار و سبک شاعران پارسی گو بهره جست. از امیر خسرو تا اقبال لاهوری بیشتر شاعران شبه قاره به اردو و فارسی هر دو زبان شعر می سرودند. شاعران ایرانی که در چند قرن حکومت مغول و ماقبل آن به شبه قاره مهاجرت کردند در تربیت شاعران محلی و تثبیت و تحکیم ریشه های زبان و ادبیات فارسی نقش بسزایی داشتند؛ چنانکه نه فقط تمام قالب ها و هیئت های شعری فارسی بدون کمترین تغییری در شعر اردو نیز رائج گردید بلکه شاعران اردو زبان جا به جا در اشعار خود از شهرهای ایران و افتخار می دانستند. شاعران اردو زبان جا به جا در اشعار خود از شهرهای ایران و شاعران فارسی گو نام برده اند و گاهی مستقیم و گاهی غیر مستقیم از آنها تعریف و توصیف کرده اند. ما با هدف بررسی آن گونه اشعار ابتدا به شعرهای مربوط به شیراز و سپس سعدی و حافظ می پردازیم و می بینیم که این انعکاس نام شیراز و شاعران آن چگونه و چقدر بوده است.

شیراز در اشعار اردو

شیراز شهر مرکزی استان فارس و یکی از شهرهای مهم تاریخی ایران به دلیل مرکز علمی و ادبی آن در ادوار مختلف فرا سوی مرزهای ایران زمین به ویژه در شبه قاره پاک و هند معروف و محبوب بوده است. شیراز حتی یکی از نام های اشخاص رایج در مسلمانان پاکستان و هند است. یکی از عوامل مهم شهرت شیراز در شبه قاره نسبت آن به شیخ اجل سعدی و لسان الغیب حافظ شیرازی است. علاوه بر آن صفای آب و هوا، رعنائی، نگهت و رنگ بو و شراب شیراز نیز در بین شاعران اردو مورد توجه قرار گرفته است.

حسن و زیبایی شیراز

شیراز به دلیل آب و هوا و زیبایی و مناظر طبیعی و اماکن تفریحی و تاریخی و باغ های بزرگ خود نیز در ایران و خارج آن شهرت بسزایی داشته است. شاعران اردو زبان نیز با حسن و زیبایی شیراز مطلع بودند و می دانستند که همین رعنائی و زیبایی



شیراز حافظ را تمام عمر خود را کنار آب رکن آباد و گلگشت مصلی سپری کرد و فکر سیر و سفر و سیاحت شهرها و کشورهای همسایه دامنگیرش نشد.

در زمان حال کشورهای سوئیس و کانادا و اروپایی به نماد زیبایی و توسعه و پیشرفت تبدیل شده است. نکته جالب این است که زمانی شیراز و اصفهان برای مردم شبه قاره به مثابه این کشورها بودند و شعرا که بیانگر واقعی افکار مردم هستند به این جانب اشاره کرده اند و در اشعار خود برای بیان زیبایی و رعنائی شهرهای مورد توجه خود با شیراز و یا اصفهان مقایسه می کردند. مثلاً اسرار الحق مجاز (۱۹۱۱-۱۹۵۵م) شهر دلی (دهلی) را در حسن و موسیقی و رنگ و نور رشک شیراز قرار می دهد:

رشک شیراز کهن هندوستان کی آبرو
سرزمین حسن و موسیقی بهشت رنگ و بو
(مجاز، ت ن: ۱۲۲)

یعنی: (دهلی) سرزمینی از حسن و موسیقی و بهشتی از رنگ و بو است / و رشک شیراز قدیم و آبروی هندوستان است.

همین شاعر جای دیگر با ابراز علاقمندی و نسبت قلبی خود به شیراز می گوید که بوستانی که سعدی در آنجا نغمه سرایی می کرد، من نیز یکی از ببلان آن باغ هستم:

چھیڑا ہے سازِ حضرتِ سعدی نے جس جگہ
اس بوستان کے شوخ عنادل میں ہم بھی ہیں
(مجاز، ت ن: ۱۲۸)

یعنی: جایی که حضرت سعدی ساز زده است، من نیز در ببلان خوش طبع آن بوستان شامل هستم.

به عقیده این شاعر شریف نوا نه شب های شیراز هم زیبایی خاص خودش را دارد؛ چنانکه در منظومه ای در ستایش شهر علیگر سروده است، شب آن شهر را به شب شیراز مشابه قرار داده است:



ہر شام ہے شام مصر یہاں، ہر شب ہے شب شیراز یہاں
ہے سارے جہاں کا سوز یہاں اور سارے جہاں کا ساز یہاں
(مجاز، ت ن: ۱۲۰)

یعنی: وقت غروب اینجا مانند غروب مصر است و ہر شب اینجا مانند شب های شیراز است/ و تمام سوز و ساز دنیا اینجا جمع شدہ است.
غلام ربانی تابان (۱۹۱۴ - ۱۹۹۳م) بالیدگی و وسعت افکار و خیالات خود را بہ شیراز نسبت می دہد؛ چنانکہ:

مرے افکار و خیالات میں جاری تاباں
حسن دلی بھی ہے رعنائی شیراز بھی ہے
(تابان، ۱۹۷۰: ۱۰۹)

یعنی: ای تابان! در افکار و خیالات من حسن دلی و رعنائی شیراز ہردو جریان دارد.

شاعران اردو زبان سعدی و حافظ را آبروی غزل می دانند و چون بوی خوش غزلیات آنها در کوچہ باغ های شیراز پیچیدہ است لذا شیراز یک نکہت خاص خودش را دارد. فراغ روہوی (و: ۱۹۵۶ء) خطاب بہ غزل می گوید کہ او دوبارہ بہ زلف غزل آن نکہت و بوی خوش شیراز خواہد داد:

ہم کہ زندہ ہیں ابھی، زلف غزل آ تجھ کو
پھر عطا نگہت شیراز کئے دیتے ہیں
(نقاش، اکرم، سہیل اختر، ۱۹۱۴، ۲۵۹)

یعنی: ای زلف غزل! ما الان زندہ ایم، بیا نکہت شیراز را دوبارہ بہ تو اعطا می کنیم.

تاثیر حافظ و سعدی بر شاعران و حتی بر عموم مردم شبہ قارہ بہ حدی است کہ مردم با نام حافظ و سعدی حضرت و رحمۃ اللہ علیہ حتماً بہ کار می برند و بہ متعلقات آنها نیز احترام بہ جای می آورند؛ چنانکہ امام بخش ناسخ (۱۷۷۲-۱۸۳۸) از اماکن محبوب حافظ در شہر شیراز را ہم در اشعار خود ذکر کردہ اند:



رَشک گلزار مصلی ہے ہر اک رنگیں غزل
آئے ہیں حافظ کنار آب رکنا باد سے

(ناسخ، ۱۹۸۷م: ۴۰۶)

یعنی: ہر غزل رنگین من رشک گلزار مصلی است / و حافظ از کنار آب رکنا آباد آمدہ است۔

متاسفانہ آن روزگار طلایی شیراز سپری شد و الان گلشن بلبان شیراز ویران شدہ است۔ یعنی شاعری بہ عظمت و بزرگی حافظ و سعدی از زمین شیراز نخاستہ است۔ ناسخ (۱۷۷۲-۱۸۳۸) ہمین واقعیت را با ابراز تاسف چنین بیان می کند:

چل کے ناخ گلشن شیراز کو آباد کر
آشیاں ویراں پڑا ہے بلبل شیراز کا

(ناسخ، ۱۹۸۷م: ۴۶)

یعنی: ای ناسخ! بروید و گلشن شیراز را دوبارہ آباد کنید چون از مدت ها آشیانہ بلبل شیراز ویران افتادہ است۔

شراب شیراز

یکی از عناصر مهمی کہ شاعران اردو زبان از شیراز یاد می کنند شراب و متعلقات آن است۔ شاعران لایہ لایہ اشعار خودشان بہ شراب شیراز، بادہ شیراز، خم شیراز، جام می شیراز، خلار شیراز و... اشارہ کردہ اند۔ اگرچہ اکثر این شعرا هیچ وقت در شیراز نبودند کہ تجربہ شخصی را در شعر بیان کنند ولی این امر نشان می دہد کہ ذکر بادہ و شراب و پیوند آن با شیراز بازتابی از شعر حافظ شیراز است کہ بہ وفور بہ می و معشوق اشارہ دارد؛ چنانکہ این عنصر مهم کلام حافظ در تبع در شعر شاعران این منطقہ نیز منعکس شدہ است۔ حتی در بعضی موارد از شراب و می شیراز منظور شاعران خود کلام و اشعار حافظ است۔

یکی از شاعران معروف اردو اسرار الحق مجاز (۱۹۱۱-۱۹۵۵م) در یک منظومہ خود کہ در مدح و ستایش شہر لکنؤ نوشتہ شدہ، لکنؤ را بہ دلیل داشتن مطرب و می و باد بہاری بہ شیراز تشبیہ می دہد؛ چنانکہ:



مطرب بھی ہے شراب بھی ابر بہار بھی
شیراز بن گیا ہے شبستان لکھنؤ
(مجاز، ت ن: ۱۲۰)

یعنی با فراہم آمدن مطرب و می و باد بہار شبستان لکھنؤ بہ شیراز مبدل شدہ
است۔

یکی از شاعران متقدم اردو امام بخش ناسخ (۱۷۷۲م) سرمستی و سرخوشی
خود را ناشی از کلام حافظ می داند و می گوید کہ ساغر ش با بادہ شیراز یعنی کلام
حافظ پر است۔

مست ناخ مجھے رکھتا ہے کلام حافظ
میرے ساغر میں بجز بادۂ شیراز نہیں
(ناسخ، ۱۲۷۹ق: ۹۷)

یعنی: ای ناسخ کلام حافظ مرا مست و سرخوش نگہ می دارد و در ساغر من
غیر از بادہ شیراز چیزی وجود ندارد۔

از بدیہیات است کہ شراب عقل انسانی را زایل می کند و هیچ کار عقلانی از
یک بادہ خوار انتظار نمی رود ولی منیر شکوہ آبادی (۱۸۱۴-۱۸۸۰م) یکی از شاعران
ہند درمورد تاثیر معکوس بادہ شیراز چنین می گوید:

نشہ اشعارِ حافظ میں بڑھی عقل، اے منیر
تھا کفِ مغزِ فلاطون، بادۂ شیراز میں
(منیر شکوہ آبادی، ۱۲۶۴ق: ۱۶۱)

یعنی: ای منیر! از اشعار حافظ عقل نشأت می گیرد چون بادہ شیراز از کف
ناشی از مغز افلاطون ساخته شدہ بود۔ اینجا منظور شاعر از بادہ شیراز اشعار حافظ است
کہ ہر کہ این بادہ شیراز را در کشد بر عقل او افزودہ می شود۔

ہمین شاعر جای دیگر ہم معنی آفرینی می شیراز را چنین بیان می کند:

تر دماغی جو بڑھے نشہ معنی کی منیر
کاسۂ سر مجھے جام ے شیراز ہوا
(منیر شکوہ آبادی، ۱۲۶۴ق: ۹۳)



یعنی: ای منیر از افزایش سرخوشی و خرمی نشہ معانی کاسہ سر جام می شیراز شدہ است.

نذر محمد راشد (۱۹۱۰م-۱۹۷۵م) معروف بہ ن م راشد کہ از بنیانگذاران شعر جدید اردو بہ شمار می رود و بہ شعر و شاعران سبک جدید نیمایی بسیار علاقمند بود و اولین بار منتخباتی از شاعران سبک نیمایی را بہ اردو ترجمہ کرد و بہ با نام «جدید فارسی شاعری» بہ چاپ رساند. او مدتی در ایران ہم زندگی کردہ بود و در یکی از مجموعہ ہای شعری خود «ایران میں اجنبی» (یعنی غریبہ ای در ایران) ماجرای یک شب عروسی در تہران را شرح دادہ است. در این منظومہ او خلار شیراز و می ناب قزوین را نام بردہ است؛ چنانکہ:

اور اس شام جشن عروسی میں
حسن و مے و رقص و نغمہ کے طوفان بتے رہے تھے
فرنگی شراہیں تو عتقا تھیں
لیکن مے ناب قزوین و خلار شیراز کے دور پیہم سے
رنگیں لباسوں سے
خوشبو کی بے باک لہروں سے
بے ساختہ تھپتھپوں، ہموں سے
مزامیر کے زیر و بم سے
وہ ہنگامہ برپا تھا
محسوس ہوتا تھا
تہران کی آخری شب یہی ہے!

(راشد، ت ن: ۲۱۵)

یعنی: آن شب در جشن عروسی / طوفانی از حسن و می و رقص و ترانہ برپا بود / اگرچہ بادہ اروپایی مفقود بود / ولی از دور پیایی می ناب قزوین و خلار شیراز / و از لباس های رنگین / و از امواج بی پروای رایحہ ها / از خندہ ہ و ہمہمہ های بی ساختگی / از زیر و بم نغمہ ها / ہیاہویی برپا بود / کہ محسوس می شد / کہ آخرین شب تہران ہمین است.



دعوت شیراز

دعوت شیراز در لغت برای میهمانی خودمانی و غذای ساده و بدون تعارف به کار رفته است. (اردو لغت، ۱۹۸۸م، ۲۶) ولی در عرف عام برای میهمانی مفصل و متکلفانه به کار می برند؛ چنانکه شاعران اردو زبان نیز این از این اصطلاح در اشعار استفاده اند. مثلاً یک شاعر هندو شیو رتن لال برق پونچوی در این مورد چنین اشاره می کند:

حرص و هوا کی اس دنیا سے بچ کے رہو تو اچھا ہے
بہتر ہے شیراز کی دعوت سے بس روکھی روٹی ساگ

(برق پونچوی، ۲۰۰۵: ۱۳)

یعنی در این دنیای حرص و هوا بهتر است خویشتن داری کنید چون از دعوت شیراز نان خشک و سبزیجات بهتر است.

همچنین شاعر دیگری در این مورد چنین می گوید:

تلخی کام و دہن کی آبیاری کے لئے
دعوت شیراز ابر و باد کر لیتے ہیں ہم

(وامق جونپوری، ۱۹۹۰: ۴۰)

برای تلخی کام و آبیاری دهن دعوت شیرازی از ابر و باد مهیا می کنیم.

سعدی شیرازی

سعدی یکی از شاعران معروف فارسی که از خاک شیراز خاسته و این خاک را به طلا مبدل کرده در همین خاک آرمیده است. سعدی از لحاظ زبان دانی و زبان آوری و شیرین بیان بین مردم شبه قاره به ویژه شاعران از اهمیت بالایی و جایگاه بلندی برخوردار است. شاعران ارادت و نسبت خود به این شاعر شیرین زبان افتخار می کنند؛ مثلاً انشاء الله خان (ف. ۱۷۵۳م) برای بیان جایگاه شعری خودش خود را شیخ سعدی قرار داده است:

شیخ سعدی وقت ہے انشاء
تو ابو بکر سعد زنگی ہے

(کلیات انشاء اللہ خان: ۱۸۳)

یعنی: انشاء اللہ شیخ سعدی دوران است و تو (ممدوح) ابو بکر سعد زنگی هستی۔
شاعری دیگری برای اثبات فصاحت کلام خود ادعا دارد کہ او بہ قدری فصیح
است کہ حتی سعدی افصح الکلام از او فصاحت می طلبد؛ چنانکہ:
قائل اپنی گفتگو سے خاص کا ہوتا کلیم
سعدی شیراز بھی مجھ سے فصاحت مانگتا
(آغا اکبر آبادی، ۱۸۸۶: ۱۵)

میر سوز (۱۷۹۹/۱۷۹۸م) یکی از شاعران متقدمین نیز با افتخار بر اشعار خود
می گوید کہ اگر سعدی و خسرو ہند امروز در حال حیات بودند، حتماً بہ وی جائزہ
می داد:

کچھ تو دیتے صلہ جو ہوتے آج
خسرو ہند و سعدی شیراز

(میر سوز، ۱۹۹۸: ۵۰۶)

سعدی با لقب بلبل شیراز در بین شاعران ہند معروف است و شاعران زیادی
با ہمین لقب سعدی را یاد کردہ اند۔ مثلاً جمیل مظہری (ف: ۱۹۸۰م) در مسدس
خود کہ با عنوان شام غریبان سرودہ، قلمی از شہپر بلبل شیراز را برای خود آرزو کردہ
است:

اس سفر سے جو پھروں دیدہ پینا لے کر
تکبت گیسوئے الہام کا سودا لے کر
شہپر بلبل شیراز کا خامہ لے کر
سینہ وحی سے سوز دل عیسیٰ لے کر
شمعیں روشن کروں ماضی کے شہتانون میں
دو ازاں جا کے تنخیل کے صنم خانوں میں

(جمیل مظہری، ۱۹۸۸م: ۱۵۹)

یعنی وقتی من از این سفر همراه با چشمی بینا و متاعی از بوی خوش
گیسوی الهام و قلمی از شہر بلبل شیراز و سوز دل عیسی از سینه وحی برگردم، در
شبستان‌های ماضی شمعها روشن کنم و در بت‌خانه‌های تخیل بانگ اذان سر بدهم.
شاعر دیگر واجد علی شاه اختر خوش بیانی خود را با بلبل شیراز همانند قرار
داه است؛ چنانکه می‌گوید:

نہ کیونکر بلبل شیراز مرقد میں پھڑک جائے
جہاں قائل ہے اے اختر تمہاری خوش بیانی کا
(اختر، ۱۹۸۴: ۷۸)

یعنی: ای اختر! بلبل شیراز در آرامگاه خود چرا مضطرب نشود چون یک
دنیا خوش بیانی ترا قبول دارد.

شاعران اردو گوی علاوه بر شخصیت و آثار سعدی نسبت به آثار این شاعر
بزرگ عقیدت خود را نشان داده اند. مثلاً سید شایق حسین سفیر در مورد تاثیر گلستان
به باب پنجم آن چنین اظهار نظر می‌کند:

پڑھا ہے میں نے گلستاں میں بابِ پنجمِ عشق
نہ پیر ہو کے بھی بھولا سبقِ گلستاں کا
(دیوان سفیر: ۲۳)

یعنی: من آنچه در باب پنجم گلستان سعدی خوانده ام آن را در پیری هم
فراموش نکرده ام.

همچنین مرزا رفیع سودا (۱۷۱۳م-۱۷۸۱م) یکی از شاعران معروف اردو
ضمن نعت پیامبر اکرم (ص) در مورد بوستان بوستان سعدی چنین می‌گوید:

سعدی کی روح پاک کی خاطر ہے سیرگاہ
دیوال کا ہر ورق یہ مرے بہ ز بوستاں
(سودا، ۱۹۸۵: ۱۷۴)



حافظ شیرازی

حافظ شاعر بلند آوازه‌ی زبان فارسی که در قرن چهاردهم میلادی در شهر شیراز می زیست، بدون تردید یکی از تاثیر گذار ترین شاعر پارسی گوی ایران است که در شبه قاره مقبول عوام و خواص قرار گرفته است. دیوان او به زبان‌های مختلف شبه قاره منجمله اردو ترجمه است. شاعران اردو زبان علاوه بر تضمین بر اشعار حافظ نام وی را به مناسبت‌های مختلف در شعر اردوی خود به کار برده اند. از بین ابعاد مختلف شخصیت و شعر گویی حافظ که در شعر اردو بازتاب یافته است، می توان به غزل حافظ، سرمستی حافظ، بیاض حافظ، می خواری حافظ، اشعار حافظ و... اشاره کرد. چندین مثال از کاربرد نام حافظ در شعر اردو ضمن شیراز و سعدی شیراز ذکر شده است لذا اینجا به طور نمونه به ذکر چند مثال دیگر بسنده می کنیم.

احمد فراز (۱۹۳۱م-۲۰۰۸م) یکی از شاعران معروف معاصر پاکستان برای شاعران پارسی گوی به ویژه حافظ خیلی عقیدت و احترام قائل بود و چندین بار در اشعار خود از حافظ نام برده است. مثلاً در یک غزل خود روزهای آغازین عشق و دوستی را یادآوری می کند که دریچه ای به دنیای شعر فارسی را به روی او باز کرده بود؛ چنانچه می گوید:

چاہت کے صبح و شام محبت کے رات دن
 ”دل ڈھونڈتا ہے پھر وہی فرصت کے رات دن“
 فردوسی و نظیری و حافظ کے ساتھ ساتھ
 بیدل ، غنی ، کلیم سے بیعت کے رات دن
 تشکیک و ملحدانہ رویے کے باوجود
 رومی سے والہانہ عقیدت کے رات دن

(فراز، ۲۰۰۸: ۱۶۴۸-۱۶۴۹)

یعنی دلم آن شب و روزهای محبت و فراغت را می طلبد که همراه با فردوسی و نظیری و حافظ و در بیعت بیدل و غنی و کلیم و با وجود دچار تشکیک و الحادگرایی در عقیدت و احترام به رومی بسر می شد.



فراز احمد جای دیگر چهره محبوب خود را به بیاض حافظ نسبت می دهد؛
چنانکه:

مصحفِ رخ ہے کسی کا کہ بیاضِ حافظ
ایسے چہرے سے کبھی فال نکالی جائے
(فراز، ۲۰۰۸: ۴۹۳)

یعنی: (در شک و تردیدم که) آن مصحف روی کسی است یا بیاض حافظ است. باید از چنین چهره ای (مانند دیوان حافظ) فال بگیریم.

مرزا رفیع سودا (۱۷۱۳م-۱۷۸۱م) در یک مخمس خود که در تضمین غزل حافظ سروده، این شاعر شیرین سخن را چنین ستایش می کند:

کھلی مجھی پہ ہے رازِ نہفتہ حافظ
کہ سن کے لوٹوں ہوں شعرِ گھفتہ حافظ
غرض عجب ہیں یہ درہائے سفتہ حافظ
بر آسمان چہ عجب گر ز گفتہ حافظ
سماعِ زہرہ بہ رقص آورد مسیحا را
(سودا، ۱۹۸۵: ۳۳)

یعنی: تنها بر من راز نهفته‌ی حافظ آشکار گردیده چون با گوش خود اشعار شیرین حافظ را گوش کرده برگشته ام. خلاصه اینکه این دریای سفته‌های حافظ (اشعار) خیلی عجیب است و جای هیچ شگفتی نیست که اگر زهره اشعار حافظ را زمزمه کند، عیسی مسیح به رقص در آید.

جوش ملیح آبادی (۱۸۹۸م-۱۹۸۲م) حافظ را خیلی دوست داشت و خودش در کتاب «یادون کی برات» جا به جا اشعار حافظ را ذکر کرده است. او برای نشان دادن جایگاه خود در شعرخودش را همتای حافظ شیراز می داند؛ چنانکه می گوید:

آ رہی ہے صدائے ہاتھِ غیب
جوش ہمتائے حافظِ شیراز

(جوش، ت ن: ۷۴)



یعنی: از هاتف غیب صدا می آید کہ جوش همتای حافظ شیراز است.
شاعران اردو زبان برای حافظ با القابات مختلفی مانند خواجہی شیراز،
مجدوب شیراز، مرشد شیراز و... بہ کار بردہ اند. ن م راشد (۱۹۱۰م-۱۹۷۵م) حافظ را
با نام مجذوب شیراز یاد کردہ است؛ چنانکہ:

اے عشق ازل گیر و ابد تاب
کچھ خواب کہ مدفون ہیں اجداد کے خود ساختہ اسمار کے نیچے
اجڑے ہوئے مذہب کے بناریختہ اوہام کے نیچے
شیراز کے مجذوب تنگ جام کے افکار کے نیچے
(راشد، ت ن: ۲۸۸-۲۸۹)

یعنی: ای عشق ازل گیر و ابد تاب، هنوز خواب‌هایی مدفون است در زیر
افسانہ‌های از خود درآورده نیاکان خودمان، زیر اوہام از بنا ریختہ شدہ (بی اساس)
مذہب برباد رفتہ و زیر افکار تاثیر گذار مجذوب شیراز.

فیض احمد فیض (۱۹۱۱م-۱۹۸۴م) شاعر پرآوازی زبان اردو نیز در موارد
متعددی ابیات و مصراع‌های حافظ را در شعر خود بہ کار بردہ است. مثلاً یک منظومہ
کامل را با عنوان «نذر حافظ» نوشتہ است کہ از بیت زیر حافظ نشأت گرفته است:

ناصرم گفت بجز غم چہ ہنر دارد عشق
برو ای خواجہ عاقل ہنری بہتر ازین
(حافظ، ۱۳۸۹ش: ۲۶۰/ فیض، ت ن: ۶۴۰)

در بیت پایان این منظومہ خطاب بہ حافظ چنین می گوید:
عشق میں کیا ہے غم کے علاوہ
خواجہ من، کچھ اس سے زیادہ
(فیض، ت ن: ۶۴۱)

همچنین در منظومہ دیگر کہ در زندان نوشتہ شدہ، خطاب بہ باد صبا می گوید:

یہ شعر حافظ شیراز اے صبا! کہنا
مے جو تجھ کو کہیں وہ حبیبِ عنبر دست

«خلل پذیر بود هر بنا که می بینی
مگر بنای محبت خالی از خلل است»

(فیض، ت ن: ۲۳۸)

یعنی ای باد صبا! اگر تو آن محبوب عنبر دست را دیدید این شعر حافظ شیراز برای او بخوانید:

«خلل پذیر بود هر بنا که می بینی
مگر بنای محبت خالی از خلل است»

اقبال لاهوری (۱۸۷۷م-۱۹۳۸م) با وجود اختلاف نظری که با برخی از زمینه‌ها با حافظ دارد، از مفاهیم بلند عرفانی و تغزل و اعجاز سخن سرایی حافظ بی‌بهره نبود و در موارد زیادی از اشعار و افکار حافظ تاثیر و الهام گرفته است. صرف نظر از اشعار فارسی اقبال اگر تنها اشعار اردوی وی را در نظر بگیریم می‌بینیم که در موارد متعدد از نام و کلام حافظ الهام گرفته و یا بر غزلیات حافظ تضمین کرده است. مثلاً در یک منظومه‌ی «بانگ درا» با عنوان «قرب سلطان» چندین مصراع حافظ را بدون اندک تغییر به کار گرفته است. مثلاً:

بہی اصول ہے سرمایہ سکون حیات
"گدائے گوشہ نشینی تو حافظا مخروط"

(اقبال، محمد، ۲۰۰۵: ۲۳۹)

یعنی: بنمایه‌ی آرامش حیات این است که ای حافظ تو گدای گوشه نشین هستی پس فریاد نکن.

یکی از ابیات همین منظومه حافظ را مرشد شیراز خطاب داده است؛ چنانکه:

پیام مرشد شیراز بھی مگر سن لے
کہ ہے یہ سر نہاں خانہ ضمیر سرش
"محل نور تجلی است رائے انور شاہ
چو قرب او طلبی در صفائے نیت کوش"

(همان)



یعنی پیام مرشد شیراز را ہم بشنوید کہ راز نہان خانہی ضمیر سروس است کہ چون رای انور شاہ محل نور تجلی است پس اگر قرب او را می خواہی در صفای باطن سعی کنید.

ہمچنین در یک منظومہ دیگر حافظ را با لقب رنگین نوا یاد کردہ از بیت دیگر حافظ منظومہ خود را زینت بخشیدہ است:

ہوائے بزم سلاطین دلیل مردہ دلی
کیا ہے حافظ رنگین نوا نے راز یہ فاش
"گرت ہو است کہ با خضر ہم نشین باشی
نہاں ز چشم سکندر چو آب حیوان باش"

(ہمان: ۲۶۸)

حافظ رنگین نوا این راز را آشکار کردہ است کہ فضای بزم سلاطین باعث مردہ دلی می شود. اگر تو آرزوی ہم نشینی با خضر را داری پس مانند آب حیات از نگاہ سکندر مخفی ہمان.

شاعران اردو زبان علاوہ بر نام و کلام حافظ اشیای منسوب بہ حافظ را نیز در اشعار خود گنجانیدہ کہ بہ احترام و جایگاہ حافظ بین شاعران اردو زبان دلالت می کند. مثلاً ناسخ در یک بیت خود محل محبوب حافظ مصلی و کنار رکنا باد را بہ کار بردہ است:

رشتک گلزار مصلی ہے ہر اک رنگیں غزل
آئے ہیں حافظ کنار آب رکنا باد سے

(ناسخ، ۱۹۸۷: ۲۰۶)

ہر غزل من باعث رشتک مصلی است و حافظ از کنار آب رکنا آباد آمدہ است.

ہمچنین واجد علی شاہ اختر در یک بیت معشوق حافظ یعنی شاخ نبات را چنین نام بردہ است:



اب تو معشوق حافظ کو بلا اے اختر
 چھپ نہ تو اُس سے کہ وہ شاخ نبات آ پختی
 (میرزا، ۱۹۸۴: ۱۸۱)

حالا ای اختر معشوق حافظ را صدا کن و خودت را قائم نکن که آن شاخ نبات می رسد.

پیامد

زبان فارسی قرن ها در شبه قاره زبان رسمی و علمی بوده است در نتیجه شاعران محلی نه فقط به سرودن شعر فارسی دست زده بلکه در زبان های محلی خود نیز از شاعران فارسی و سبک آنها پیروی کرده و آنها را برای خود الگو قرار داده اند. شاعران زبان اردو علاوه بر ترجمه ها و تضمین ها از نام شهرها و شاعران ایران در اشعار خود زیاد استفاده کرده اند. در این مقاله فقط به کاربردهای مختلف نام شهر شیراز و دو شاعر معروف این مرز و بوم یعنی سعدی و حافظ شیراز در شعر اردو پرداخته شده است. بر اساس این تحقیق می توان گفت که شاعران زبان اردو برای شهر شیراز و سعدی و حافظ احترام زیادی قائل بودند و این نام ها بیشتر به عنوان استعاره برای زیبایی، علم پروری، علو فکری، استنادارذ شعری و کلامی به کار رفته اند. تعداد این گونه شعر ها خیلی زیاد است ولی اینجا با توجه به حجم مقاله فقط به آوردن چند نمونه اکتفا کرده ایم.

این تحقیق در واقع نخستین گامی است که در این راستا برداشته شده و هیچ ادعایی بر آخرین پژوهش بودن خود ندارد. این موضوع نیاز به بررسی و پژوهش گسترده دارد و از سطح یک مقاله فراتر است چنانکه پژوهشگران محترم در زمینه ادبیات تطبیقی می توانند کتاب های مبسوطی در این مورد نگارش کنند.



کتاب نامہ

اردو

۱. اردو لغت (جلد نہم)، ۱۹۸۸، اردو لغت بورڈ (ترقی اردو بورڈ)، کراچی
۲. اقبال، محمد، ۲۰۰۵، کلیات اقبال (اردو)، مرتب احمد رضا، ادارۂ اہل قلم، لاہور
۳. انشاء، انشاء اللہ خان، ۱۸۷۶، کلیات انشاء اللہ خان، مطبع منشی نول کشور،
<https://www.rekhta.org/ebooks/kulliyat-e-insha-allah-khan-insha-allah-lkhenw/khan-insha-ebooks/?lang=ur>
۴. آغا، مرزا حسین اکبر آبادی، ۱۸۸۶م/۱۳۰۳ق، دیوان آغا، مطبع اعجاز محمد،
 آگرہ
۵. برق پونچھوی، شورتن لال، ۲۰۰۵ء، برق و شرر، سواراج پبلی
<https://www.rekhta.org/ghazals/ik-daaman-men-phuul-bhare-hain-ik-daaman-men-aag-hii-aag-shiv-ratan-lal-barq-punchhwi-ghazals?lang=ur>
۶. تابان، غلام ربانی، ۱۹۷۰، ذوق سفر، حبیبہ تابان، دہلی
۷. جوش ملیح آبادی، ت ن، دیوان جوش (منتخب کلام)، مرتب: امر، اترپردیش اردو
 اکادمی، لکھنؤ
۸. راشد، ن م، ت ن، کلیات راشد، ماورا پبلشرز، لاہور
۹. سفیر، سید شایق حسین، ت ن، دیوان سفیر، ای بک،
<https://www.rekhta.org/ebooks/deewan-e-safeer-ebooks?lang=ur> ریختہ
۱۰. سودا، مرزا محمد رفیع، ۱۹۸۵، کلیات سودا (جلد اول)، مرتبہ ڈاکٹر محمد
 حسن، ترقی اردو بیورو، نئی دہلی
۱۱. سوز، سید محمد میر، ۱۹۹۸، کلیات میر (پایان نامہ دکترا)، ترتیب و تدوین زاہد
 منیر عامر، استاد رهنما ڈاکٹر خواجہ محمد زکریا، شعبہ اردو اورینٹل کالج پنجاب
 یونیورسٹی، لاہور،
۱۲. فراز، احمد، ۲۰۰۸ء، شہر سخن آراستہ ہے (کلیات احمد فراز)، احمد فراز،
 دوست پبلیکیشن، اسلام آباد
۱۳. فیض، فیض احمد، ت ن، نسخہ ہائے وفا، مکتبہ کاروان، لاہور

۱۴. مجاز، اسرار الحق، ت ن، کلیات مجاز، مکتبہ اردو ادب، لاہور
 ۱۵. مظہری، جمیل، ۱۹۸۸ء، جمیل مظہری کے مرثی، ترتیب و تدوین ڈاکٹر ہلال نقوی، حلقہ فکر و نظر، کراچی
 ۱۶. منیر شکوہ آبادی، ۱۲۶۴ھ، سید محمد اسماعیل حسین، منتخب العالم، مطبع سعیدی، رامپور
 ۱۷. میرزا، کوکب قدر سجاد علی، ۱۹۸۴ء انتخاب واجد علی شاہ اختر، اتر پردیش اردو اکادمی، لکھنؤ
 ۱۸. ناسخ، شیخ امام بخش، ۱۹۸۷ء کلیات ناسخ (جلد اول)، مرتبہ یونس جاوید، مجلس ترقی ادب، لاہور
 ۱۹. ——— ۱۲۷۹ھ، دیوان ناسخ، منشی نول کشور
 ۲۰. نقاش، اکرم، سہیل اختر، ۲۰۱۴ء، غزل کے رنگ، افلاک پبلی کیشن، گلبرگہ
 ۲۱. وامق جونپوری، ۱۹۹۰ء، سفر ناتمام، اتر پردیش اردو اکادمی، لکھنؤ
- فارسی:
۲۲. حافظ شیرازی، ۱۳۸۹ش، دیوان حافظ، بہ اہتمام جہانگیر منصور، نشر دوران، تہران

